

درین باره

### براصلاح زنده رود

مُب بود و ماهتاب و براصلاح زنده رود  
 با زورک فیل برقم رهن دراز  
 « <sup>ن</sup> آینه بدم و « مرد راه » عین  
 « یک کجا » با « ساره قطری » لغز و ساز  
 « یک ناموی » بینه به « بال ساره » در  
 گویم و نه « هر که جان بود و « ماه وزن »  
 محمود زنده « حسا و رنجا »  
 با این به تکب گنده « بودم به هر زورن  
 « باور بکنم » و « آری ز » آذرخش  
 « هر چه نام » که « بقریه تا » دست خویش  
 « زنده تا » به « دراب » « گنده تا »  
 بر « با قدر حققت » زورک زهره است  
 فریاد به صدا « ز این ن گنده »  
 در « گودک ملزین » گودک ابر بگود  
 آمد به پیده کن « دور از » اکتاف  
 بر لب گندک و « دور جودنی » عمر گود  
 ماندم با بخت « با امان زنده رود »  
 که براد « هر جلوه در انوار آفتاب

« بیعت »  
 « ستم در است »  
 « ستم در است »  
 « ستم در است »  
 « ستم در است »  
 « ستم در است »